

رفاه طلبی و تجمل گرایی

میان‌روی در نعمت‌های زندگی

اعتدال و میان‌روی در همهٔ زمینه‌های فعالیت انسان، مطابق با حکمت و از نظر شرعی مطلوب است. افراط و تفریط در قرآن کریم و روایات اسلامی و حکمت عملی حتی در زمینه‌هایی که محض خیر و صلاح است مانند عبادت با احسان به دیگران و دستگیری از مستمندان، نکوهش شده است هر دو سوی افراط و تفریط موجب انحراف انسان از مسیر صحیح زندگی است؛ رفاه و تجمل و تمتع از نعمت‌های دنیا نیز از این قاعده مستثنی نیست. بعضی از مردم در اثر بدآموزی و برداشت غلط از تعلیمات مذهبی، جانب تفریط را گرفته و هرگونه تمتع و تجمل را خلاف شرع می‌دانند و زهد مطلق یا رهبانیت را پیشه می‌کنند؛ و بعضی افراط نموده، تمتعات مادی را اصل دانسته و همتی تلاشی خود را منحصر در مرفه‌تر کردن زندگی می‌نمایند!

علاء بن زیاد حارثی از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام بیمار بود. آن حضرت به عبادت رفت و چون خانهٔ او را بزرگتر از معمول دید فرمود: به این خانهٔ وسیع و زندگی دامنه دار چه احتیاجی داری؟ تو در آخرت به آن نیازمندتری. والبتنه اگر بخواهی می‌توانی آن را مقدمهٔ سعادت ابدی آن جهان قرار دهی. اگر هدف تو از این خانهٔ مجلل و بزرگ، پذیرائی از مهمان و صلح و رحم و اداء حقوق دیگران باشد تو با آن سعادت آخرت را تأمین نموده‌ای.

علاء که از سخن آن حضرت متوجه شد که اصل رفاه و توسعه زندگی را ناپسند نمی‌داند، عرض کرد: یا امیرالمؤمنین، من از دست برادرم عاصم به شما شکایت دارم. فرمود: چه کرده؟ عرض کرد: عثمایی پوشیده و زندگی را رها کرده است. حضرت فرمان داد تا احضارش نمودند و چون بنامد به او فرمود: ای دشمنک! جان خود را شیطان نورا از راه صحیح منحرف ساختی چرا به زن و بچهٔ خود رحم نمی‌کنی؟! آیا گمان داری خداوند که نعمت‌های پاک خود را بر تو حلال ساخته، خوش ندارد که از آنها استفاده کنی؟ تو کوچکتر از آنی که خداوند چنین تکلیفی بر تو فرض نماید. عاصم برده از شکری که او را به اشتهاء انداخته بود، برداشت و گفت: یا امیرالمؤمنین! چگونه به من چنین دستور می‌دهی و حال آن که خوراک و پوشاک شما این گونه خشن و نامرغوب است؟! حضرت فرمود: وای بر تو! من چون تو نیستم. خداوند بر زمامداران به حق واجب کرده است که زندگی خود را با زندگی فقرا وضعاً مقایسه کنند و همانند آنان ببوشند و بنوشند تا فقرا، آنان را به سرکشی و اندازد.

داستانی بسیار گویا و جالب است. افراط و تفریط در زندگی مادی را به شدت منع می‌کند و وظیفهٔ زمامداران را نیز معین می‌سازد. کسانی که تصور می‌کنند که وظيفهٔ افراد معمولی و عامهٔ مردم این است که همیشه مسخشی و فقر

زندگی کنند و از نعمت‌های الهی تمتع نبرند، سخت در اشتباهند؛ همچنین آنان که مهمترین و اساسی‌ترین مسأله را اقتصاد جامعه و مسائل مادی و رفاه مردم می‌دانند به بیراهه می‌روند. نامشافه فشاری که در دوران جنگ بر مردم ما تحمیل شد، عطش رفاه طلبی بطور طبیعی در جامعه گسترش یافت و سخنرانان و گویندگان نیز به این آتش دامن زده، لهیب اشتیاق به تمتعات دنیا را چند برابر ساخته‌اند. غافل از این که تمایل به رفاه و تمتع، بطور طبیعی، در انسان، بخصوص در این زمان که تمدن مادی، چهرهٔ جهان را تغییر داده، فراوان است و هیچ نیاز به تشویق و ترغیب ندارد. عدهٔ بسیار کمی از مردم به دلایل خاص روانی یا بخاطر برداشتهای غلط از تعالیم مذهبی، جهت تفریط را ترجیح می‌دهند و گرنه عموم مردم، بر طبق اصل شریزی انسان، دنبال اشباع شهوات و تمایلات نفسانی خویش اند و آن چه در این رابطه مورد نیاز است، کنترل این تمایل و توجه دادن مردم به سوی آخرت و زندگی واقعی و عدم افراط در رفاه طلبی و تجمل گرایی است.

در زمان‌ها الهادی چون عاصم بن زیاد اگر باشند، بسیار نادرنده و خطری از این گونه تفکر جامعه را تهدید نمی‌کند. آن چه خطرناک است، کشیده شدن جامعه به سوی افراط و چشم دوختن به تمدن خیره کنندهٔ غرب و بالا رفتن سطح توقعات مادی است که اگر انسان به آن سوی بطلد، هیچ چیز او را سیر نمی‌کند و هر چه بیشتری رود عطش او بیشتر و توقعش بالا ترمی رود و هرگز به سرمزل مقصود نمی‌رسد.

بزرگترین دست‌آورد انقلاب

بزرگترین دست‌آورد انقلاب برای جامعهٔ ما، همین است که او را از آرزوهای دور و درازی که دورنمای دروازهٔ تمدن بزرگ آن را ترسیم نموده به یکباره برگرداند و ارزشهای معنوی را در ذهن او چنان جلوه گر ساخت که جوانان تربیت شده در آن محیط فاسد و در آن مدارس منحرف همهٔ لذت‌های زندگی را رها کرده و نهایت کمال خود را در جبهه‌های نور یافتند. اکنون این خطر وجود دارد که تشویق به رفاه گرایی، تربیت شدگان محیط انقلاب را بر عکس، مشتاق دروازهٔ تمدن بزرگ بنماید.

اگر به آیات قرآن و احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و خطب نهج البلاغه و روایات اهل بیت علیهم السلام مراجعه کنیم می‌بینیم بیشتر تأکید بر بی‌اعتنائی به دنیا و تمتعات آن دارند و جانب تفریط را خطر بزرگی برای جامعه نمی‌بینند گر چه رهبانیت و ترک دنیا نیز مورد نکوهش قرار گرفته و در این مورد آیات و روایاتی آمده است مانند: «قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق، قل هي للذين آمنوا في الحياة الدنيا خالصة يوم القيامة...» بگو

چه کسی زینتهای طبیعی را که خداوند برای بندگانش آفریده و روزیهای پاک و حلال را حرام کرده است؟! این یک استهفام انکاری است؛ یعنی کسی حرام نکرده و کسی حق ندارد حرام کند. و شاید در ضمن اشاره به دلیل آن نیز کرده باشد، که اینها را خداوند برای استفاده مردم و تمتع و بهره جویی از آنها آفریده است، پس ممکن نیست استفاده صحیح و مشروع از آنها را حرام نماید. سپس می فرماید: بگو این نعمتهای دنیا در اصل برای مؤمنان آفریده شده و در روز قیامت بطور انحصاری برای آنها است یعنی در همین دنیا مؤمنان اصل اند و دیگران طفیلی اند و در روز قیامت تنها مؤمنان از نعم الهی برخوردارند؛ پس در زندگی دنیا نیز رفاه در اصل برای مؤمنان است نه مشرکان و منافقان گرچه در تفسیر آیه، وجه دیگری نیز ذکر شده ولی ظاهر آن همین است.

نکوهش رفاه طلبی نه اصل تنعم و تجمل

شاید برای بعضی از افراد چنین به نظر بیاید که مطلب این آیه با تاکید فراوان قرآن بر نکوهش متاع زود گذر دنیا و خوشگذرانی در آن متناقض باشد، زیرا در اینجا تجمل و استفاده از زینت این جهان را مخصوص مؤمنان دانسته و استفاده از روزیهای پاک و حلال را تأیید نموده و در آیات بسیار زیاد، افراد خوشگذران و دنیا طلب را شدیداً مورد

استفاده از نعمتهای الهی در دنیا حلال است و تحریم آنها جایز نیست ولی آنچه در آیات و روایات شدیداً مورد نکوهش قرار گرفته دو جهت است: یکی اسراف و افراط در تمتعات و عدم رعایت تنگدستان و دیگری حب دنیا و مقدم داشتن آن بر شئون معنوی.

انتقاد قرار داده و نهیدید به عذاب نموده است. ولی با دقت در آن آیات روشن می شود که آن چه مذموم و ناپسند است دنیا پرستی و رفاه طلبی و تجمل گرایی است نه اصل تنعم و تجمل. فرق است میان استفاده از روزیهای پاک و حلال و زینتهای طبیعی خدادادی و حب دنیا و علاقه مفرط به ظواهر فریبنده آن. تمتع و بهره جویی از دنیا نه تنها حلال است بلکه تحریم آن و حتی ترک آن از روی رهبانیت جایز نیست. و بر همین اساس، خداوند در آیه مذکور، تحریم زینتها را مورد سرزنش و استکار قرار داده است. و در حدیثی نیز آمده است که: «ان الله يحب ان يؤخذ برخصیة كما يحب ان يؤخذ بعزائمه». خداوند همچنان که دوست دارد، مردم احکام الزامی او را عمل کنند، دوست دارد که از احکام ترخیصی و اجازه های او نیز استفاده نمایند. این بدان معنی نیست که مباحات، مستحب است زیرا احکام متضادند و ممکن نیست مباح، مستحب باشد بلکه منظور از «اخذ برخصیة»، حلال دانستن آنها است، هر چند انسان بعضی از آنها را از روی زهد و ریاضت ترک کند، البته بعدی که مستلزم رهبانیت و ترک دنیا نشود. ضمناً رخص بمعنای مطلق مباحات نیست. آموزی که خداوند رسماً آنها را تحلیل فرموده و اجازه داده است غیر از مباحاتی است که بر اساس اصل اباحه محکوم به جواز است. بهرحال استفاده از نعمتهای الهی در دنیا حلال است و تحریم

آنها جایز نیست. ولی آن چه در آیات و روایات شدیداً مورد نکوهش قرار گرفته دو جهت است: یکی اسراف و افراط در تمتعات و عدم رعایت فقرا و تنگدستان و دیگری حب دنیا و مقدم داشتن آن بر شئون معنوی و زندگی ابدی در آخرت.

زیاده روی در تمتعات

در مورد اول، آیه ای که قبل از آیه مذکور آمده چنین است: «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد وکلوا واشربوا ولا تسرفوا ان الله لا یحب المیسرفین». ای فرزندان آدم، خود را هنگام رفتن به مساجد بپوشانید و بخورید و بیاشامید و زیاده روی نکنید که خداوند سرفران را دوست ندارد. بر این مطلب آیات و روایات بسیاری دلالت دارد. در روایتی از امام صادق علیه السلام که فرمود: «آیا گمان می کنی خداوند آن را که ثروت داده بخاطر شرافت و بزرگواری او است و آن را که نداده است از روی تحقیر و اهانت است؟ چنین نیست، بلکه این مال خدا است که نزد انسان امالت است و خداوند اجازه داده است که صاحب مال از آن بطور معتدل و بدون افراط و تفریط بخورد و بیاشامد و بیوشد و ازدواج کند و وسیله ذهاب و ایاب فراهم نماید و مازاد بر احتیاجات خود را بر فقراء مؤمنین تقسیم کند و زندگی آنها را سرو سامان دهد. کسی که چنین کند، خوراک و پوشاک و سایر استفاده های او حلال خواهد بود و کسی که چنین نیست استفاده های او حرام است». نمی خواهیم از این روایت حکم فقهی به دست آوریم ولی بهرحال از روایات بسیاری به دست می آید که: این گونه نیست که ثروتمندان تصور می کنند که ثروتها و اندوخته هایشان را خود با تلاش و کوشش و هوش و فراست خود بدست آورده اند و در مصرف آن اختیارتام دارند؛ قارون نیز همین استدلال را داشت. وقتی با نبحر در برابر مردم تمایش قدرت داد نیکان قومش به او گفتند: «لا تفرح ان الله لا یحب الفرحین. وابق فیما آتاک الله الدار الاخرة ولا تنس نصیبک من الدنيا واحسن کما احسن الله الیک ولا تبغ الفساد فی الارض ان الله لا یحب المفسدین». این قدر شادی مکن که خداوند (مغروران) و شادی گسان را دوست ندارد و از آن چه خداوند به تو عطا فرموده، سعادت آخرت را به دست آور و از قسمت خود در دنیا نیز بهره مند شو و به دیگران احسان کن همان گونه که خداوند به تو احسان کرده است و در زمین، فساد و تباهی مکن که خداوند تنهاران را دوست ندارد.

این جملات دستور کامل زندگی برای ثروتمندان است اول: آن که نباید انسان از ثروت خود خرسند و مغرور شود زیرا این فضل خدا است که به او عطا فرموده آن هم برای امتحان و آزمایش او و طبق آیات دیگر که در این زمینه است نباید انسان تصور کند که این مرتزی برای او است بلکه گرفتاری بیشتر در آخرت در پی او خواهد بود. دوم: باید از ابر ثروت، سعادت خود را در زندگی ابدی آخرت نپنه نماید نه تنها به فکر عیش و نوش و لذت دنیا باشد.

سوم: «ولا تنس نصیبک من الدنيا» از زندگی دنیا به اندازه ای که نصیب و بهره او است تمتع ببرد. بعضی را ابده آن است که تا هست بخورند و تا هست بیاشامند و تا هست بیوشند و تا هست لذت ببرند و معیار نزد آنها نیاز جسم و روح نیست بلکه تا آنجا که ممکن است باید از لذت دنیا بهره برد؛ «واللذین کفرُوا یا کلون کما تأکل الأنعام». آنان که خدا را منکرند چون چار باهان می خورند. این جمله عین گوید به اندازه نصیب خود در این دنیا. یعنی به اندازه ای که نیاز داری. استفاده کن. چهارم: «احسن کما احسن الله الیک». گنج اندوخته نکن بلکه مازاد بر نیاز را به دیگران بخش. احسان کن همانگونه که خداوند بزرگواری تو تفعل نموده است.

در جای دیگر فرموده است: «بِسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ» - از تو می پرسند چه مقدار انفاق کنیم و به فقرا کمک کنیم؟ بگو: آن چه را زاید بر نیاز دارید. این آیه کار را بسیار مشکل کرده است. کسانی که تصور می کنند با دو تومان صدقه اول صبح خدا را خشنود کرده اند و دیگر هر چه بنوشند و بپوشند و جمع کنند، اشکالی ندارد سخت در اشتباهند. «وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا ينفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» - کسانی که طلا و نقره را جمع می کنند و در راه خدا انفاق نمی کنند، آنان را به عذابی دردناک بشارت ده. بشارت از روی استهزاء است.

بنجم: ولایع الفساد فی الارض - تو بخاطر ثروت، قدرت و مکتت فراوان داری. فساد در زمین رواج دارد که خداوند نیکوکاران را دوست ندارد. احتکار و گرانفروشی دوزخ است فساد عظیم در جامعه است که ثروتمندان و کسانی که سازمان اقتصاد جامعه را در دست دارند، گرداننده این فسادند. قارون در پاسخ به آنها همین جمله که ورد زبان همه ثروتمندان یا ابد و تکر آنها است، بر زبان آورد: «قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عُنْدِي» - من این ثروت را با دانش خود به دست آورده ام! یعنی این تفضل خدا نیست بلکه کوشش و دانش من سبب جمع آوری این همه ثروت شده است. و همین تفکر او را به نیستی و نابودی گشاید.

در مورد دوّم یعنی حبّ دنیا و توجه به آن که هر چه بیشتر باشد، بیشتر مایه سقوط و نابودی انسان است، آیات بسیار آمده است و از آنها معلوم می شود که اصل نعم و استفاده از زینتها و نعمتها تکویناً نیست بلکه محبت دنیا و مقدم داشتن آن بر معنویت مورد نکوهش است.

نکوهش دل بستگی به دنیا و زینتهای آن

دسته ای از آیات، تعبیر به حبّ دنیا و زینتهای آن را دارد مانند آیه ۱۴ سوره آل عمران که می فرماید: «زُجِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرثِ، ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَآبِ» - محبت و علاقه به امور مادی و مشتهیات نفسانی از قبیل زن و فرزند و ثروتهای فراوان از طلا و نقره و اسبان ممتاز و چهار پایان و زراعت، در نظر مردم جلوه گر شده است. اینها همه وسائل نعم و بهره گیری از زندگی پست این جهان است و سرانجام نیک، نزد خداوند است.

در آیه ۲۷ از سوره دهر می فرماید: «أَن هَوْلَاءِ بِحِبِّتِمْ الْعَاجِلَةَ يُذْخِرُونَ وِرَاءَهُمْ يَوْمًا نَقِيلًا» - اینها زندگی زود گذر دنیا را دوست می دارند و در پیش روی خویش، روز سنگینی دارند.

و در آیه سّم از سوره ابراهیم می فرماید: «الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَىٰ الْآخِرَةِ...» - این جمله مربوط به آیه قبل است که می فرماید: «وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ...» وای بر کافران از عذابی سخت؛ آنان که زندگی دنیا را بر آخرت مقدم می دارند. و آیات دیگر از این قبیل.

دسته ای دیگر از آیات تعبیر به «اشترای» دارد یعنی کسانی که آخرت را به دنیا می فروشند و تبدیل می کنند مانند آیه ۸۶ از سوره بقره که می فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخْفَىٰ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ» - اشاره به افرادی است که در آیه قبل ذکر شده: آنها کسانی هستند که زندگی دنیا را به آخرت خریدند و با یکدیگر عوض کردند؛ از عذاب آنها کاسته نخواهد شد و کسی آنها را باری نخواهد کرد.

دسته ای دیگر تعبیر رضایت دارد: «أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» (سوره توبه، آیه ۳۸). این آیه خطاب به کسانی

است که جهاد را ترک نموده و آسایش را بر آن ترجیح داده اند، می فرماید: آیا زندگی دنیا را بجای آخرت پذیرفته اید؟ پس بدانید که بهره ها و لذتهای دنیا در برابر آخرت اندک است. و در آیه ای دیگر، خشنودی و دل بستگی به دنیا مورد نکوهش قرار گرفته: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ، أُولَئِكَ مَا لَهُمْ مِنَ النَّارِ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (سوره یونس، آیه ۸۷) - کسانی که لقاء الله و دیدار خدا را توقع ندارند و به زندگی دنیا راضی و دلخوشند و به آن آرامش می یابند و کسانی که از آیات ما غافلند، جایگاه آنها، به خاطر اعمالشان، دوزخ است.

و در سوره رعد آیه ۲۶ تعبیر به شادمانی و خرسندی نسبت به بهره های دنیا را دارد: «وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ» - آنها به زندگی دنیا دلخوشند، حال آن که زندگی دنیا نسبت به آخرت چیزی جز بهره ای ناچیز نیست.

و در دسته ای از آیات، تعبیر به اراده حیات دنیا دارد و این تعبیر فراوان است. در سوره هود، آیه ۱۵ و ۱۶ می فرماید: «مَنْ كَانَ يَرْجِدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ، أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحِطَّ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» - کسانی که زندگی پست دنیا و زینت آن را می خواهند، نتیجه اعمالشان را در دنیا به آنها خواهیم داد و هرگز از آنها کاسته نخواهد شد؛ آنها کسانی هستند که در آخرت بجز آتش بهره ای ندارند و آنچه

ملت مستضعف و محروم ایران، همچون پیامبر خویش به فقری که با شرافت و کرامت همراه است، فخر می کند و آن را بر رفاهی که با اسارت و ذلت قرین باشد، ترجیح می دهد.

انجام داده اند، در آنجا نابود می شود و عمل آنها در آخرت باطل خواهد شد. و در سوره شوری، آیه ۲۰ می فرماید: «مَنْ كَانَ يَرْجِدُ حَرَّتَ الْآخِرَةِ تَزِدْ لَهُ فِي حَرَّتِهِ وَمَنْ كَانَ يَرْجِدُ حَرَّتَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَالَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» - کسی که نتیجه عمل خود را در آخرت می خواهد، ما بر آن می افزاییم و کسی که فقط نتیجه دنیا را می خواهد، از این دنیا به او می دهیم (البته نتیجه عملش نه خواستن بدون عمل) ولی در آخرت بهره ای ندارد.

و در دسته ای از آیات، تعبیر به ایشار و مقدم داشتن دنیا بر آخرت دارد، مانند آیه ۳۸ از سوره نازعات: «فَأَقْمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِانِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْحَكِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» - اقا کسی که طغیان کند و زندگی دنیا را مقدم بدارد، همانا دوزخ جایگاه او است. و در سوره اعلی: «بَلْ تَوَثَّرُونَ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ» - شما زندگی دنیا را مقدم می دارید حال آنکه آخرت، بهتر و پایدار است.

و در دو آیه، نهی فرموده است از چشم دوزی به متاع دنیا و دنسالت آن بودن: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْثَنَّهُمْ فِيهِ، وَرِزْقٍ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ» (سوره طه، آیه ۱۳۱). هرگز چشم ندوز به آنچه که گروه هائی از آنان رایبه آن متمع ساخته ایم، که اینها شکوفه های زندگی دنیا است و برای امتحان و آزمایش آنها است، و همانا روزی خداوند بهتر و پایدارتر است. و نظیر این آیه است، آیه ۸۸ سوره حجر.

بنابر این، موضوع نکوهش در این آیات حب و علاقه به دنیا و مقدم داشتن آن بر آخرت است نه اصل نعمات و استفاده مشروع از نعمتهای الهی، بلکه نعمتها در اصل برای مؤمنین آفریده شده است و دیگران طفلی اند. آنچه نکوهیده است، آن است که مادیات و رفاه را اصل بدانیم و خدای ناکرده، اصول اسلام و انقلاب را برای رسیدن به این هدف مادی، قربانی کنیم.

از کید دشمنان غافل نباشیم

لازم به یادآوری است که تحصیل رفاه و آسایش برای همهٔ المراد ملت بیفداری که امکانات کشور اجازه می دهد، بسیار مطلوب و بجا است ولی نباید در راه رسیدن به این هدف، از کید دشمنان اصلی اسلام و انقلاب غافل شویم و نباید تصور کنیم که استکبار جهانی و آمریکای استعمارگر، تغییر ماهیت داده و دیگر بنا ندارند با ما دشمنی کند و چون نتیجهٔ دشمنیهای گذشته، استحکام بیشتر انقلاب اسلامی بوده است، آنها بر سر عقل آمده و از روش های خصمانه خود دست برداشته اند.

کسانی که تصور می کنند وظیفه عامهٔ مردم این است که همیشه در سختی و فقر زندگی کنند و از نعمتهای الهی تمتع نبرند، سخت در اشتباهند، همچنین آنان که مهمترین مسأله را اقتصاد جامعه و رفاه مردم می دانند به بیراهه می روند.

امام امت «قدس الله روحه الزکیه» در پیام مهمی که پس از قبول قطعنامه صادر شد، فرمودند:

«... کسی مدعی آن نیست که طبقات محروم و ضعیف و کم درآمد و خصوصاً افشار کارمند و اداری، در تنگنای مسائل اقتصادی نیستند ولی آن چیزی که همهٔ مردم ما فراتر از آن را فکر می کنند، مسئله حفظ اسلام و اصول انقلاب است. مردم ایران ثابت کرده اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت... ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزشهای اسلامی هستند به خوبی دریافته اند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست و آنها که تصور می کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی، منافات ندارد، با الفبای مبارزه بیگانه اند و آنهایی هم که تصور می کنند سرمایه داران و مرفهان بی درد، با نصیحت و پند و اندرز، منتبّه می شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می کنند، آب درهاون می کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیا خواهی و آخرت جوئی، دو مقوله ای است که

هرگز با هم جمع نمی شوند و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند، که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و مستدینین بی بضاعت، گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلابها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنمائیم تا به هر صورتی که ممکن است، خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم.»

و در جای دیگر این پیام جاودانه آمده است:

«نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی، استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟ به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هوینها و ارزشهای معنوی و الهی مان نمی شناسند. به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقابله و ستیز با شما بر نمی دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، صهیونیست ها و آمریکا و شوروی در تعقیبان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه دار نمائند... آری! اگر ملت ایران از همهٔ اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام را با دستهای خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران، او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی فرهنگ به رسمیت بشناسند ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر؛ آنها ابرقدرت باشند ما ضعیف، آنها ولی وقیم باشند ما جیره خوار و حافظ منافع آنها؛ نه یک ایران با هویت ایرانی اسلامی، بلکه ایرانی که شناسنامه اش را آمریکا و شوروی صادر کند! ایرانی که ارابهٔ سیاست آمریکا یا شوروی را بکشد!...»

خداوند! به توبتهای ما بریم از روزی که فریادهای آن بندهٔ صالحت که فریادگر تبرد با دشمنانت بود، فراموش شود. نه! هرگز فراموشمان نخواهد شد. ملت مستضعف و محروم ایران، همچون پیامبر خویش، به این فطری که با شرافت و کرامت همراه است، فخر می کند و آن را بر رفاهی که با اسارت و ذلت قرین باشد، ترجیح می دهد. ملت ایران و مسئولین جمهوری اسلامی هرگز فریاد رسای «مرگ بر آمریکا» را فراموش نخواهند کرد و هرگز وصینها و سفارشیهای امام بزرگوار را کنار نخواهند گذاشت.

در آن زمان که غرق دریای رحمت بودیم، نمی دانستیم که چقدر به این پیامها نیاز داریم، اکنون که - بگوید حضرت آیه الله خامنه ای - همه ما حقیقتاً پیتم شده ایم، می دانیم که او بهترین راهنما و مرشد است و پیامهای بجاهانده از آن بادگار پیامبران، بهترین راهنمود و توشه راه ما است.

این پیامها باید همواره از طریق رادیو و تلویزیون خوانده شود و مطبوعات و رسانه های گروهی، بدون انقطاع، این راهنمودهای ارزنده و جاودانه را بر مردم و مسئولین بخوانند که غفلت از آنها موجب انحراف و سقوط است.

خداوند!! ما را توفیق عمل به این راهنمودهای عزت بخش عطا کن. والسلام.